

ویژگی‌های برجسته شهید سردار سلیمانی

ولایت‌مداری: او به غایت ولایت‌مدار بود و به

رهبر و مقتدای خویش عشق می‌ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی‌امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا تنها از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی نبود بلکه نگاهی بس فراتر داشت و از جنبه اعتقادی بدین امر می‌نگریست سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او همه و همه تعقیب کننده خط ولایت بود. بی‌جهت نیست که عبارت مالک اشتر ولایت در وصف او به کار برده می‌شود.

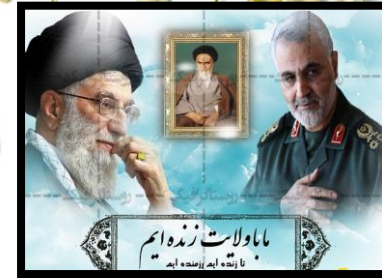
اخلاص: او به شدت از ریا و خودنمایی پرهیز

می‌کرد. بود و نمود او یکی. بود، آن‌گونه می‌نمود که بود ظاهر بی‌آلایش و مؤمنانه. او خبر از باطن صاف و پالوده‌اش می‌داد، مصداق آیه شریفه «سَيَمَاهُمُ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»

بود در طریق اخلاص ثابت‌قدم بود. هیچ‌گاه به دنبال مطرح نمودن خود نبود و آنچنان به غنای درون رسیده بود که مستغنی از ذره‌ای جلوه‌گری بیرونی شده بود. زلال چون آب بود و شفاف چون آئینه.

ارادت و تمسک به اهل بیت (علیه السلام): او

از عمق جان شیفته اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. پیوسته متوسل به آن اختران تابناک آسمان امامت و ولایت بود. هرگاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین (ع) تشریف می‌یافت، نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی او را جلا می‌بخشید و به پرواز در می‌آورد و بهجت و سروری تام و تمام جان شیفته او را فرا می‌گرفت. مجلس عزای حسینی (ع) را برپا می‌کرد و خدمت در روضه سیدالشهدا (ع) را برای خود افتخاری بس بزرگ می‌دانست



به نام خدا

کارگروه فرهنگی مدرسه علمیه بنت الرسول (سلام الله علیها)

شهرستان اشتر

بهزمان باساکرد شهید سپید سردار سلیمانی تقدیم

میکند:

روحیه شهادت طلبی:

قاسم عزیز ما شیفته شهادت بود او در داغ فراق یاران هم‌رزمش می سوخت و در نجاوهای شبانه‌اش پیوسته از حضرت حق طلب شهادت می نمود. او از مغز وجودش خواهان شهادت بود، او با شهدا سخن می گفت و از آنان ملتسمانه می خواست که او را به سوی خویش برکشند و به بزم معنوی خود فراخوانند. بزرگ ترین آرزوی او که هیچگاه در آن سستی و کاستی پدید نیامد، همانا شهادت بود و سرانجام به این آرزو که به دست شقی ترین انسان روزگار به شهادت برسد، رسید.

روحیه انقلابی:

او فرزند انقلاب بود و دلبسته و مروج گفتمان آن، او به روشنی می دید که انقلاب به مثابه درختی تناور، پیوسته رشد کرده و شاخ و برگ آن فزونی یافته و به سوی ملت‌های عدالت خواه جهان امتداد می یابد.

سادگی و صفا

زندگی ساده‌ای داشت با حداقل امکانات. می توانست از راه مشروع بسی بیش تر داشته باشد. اما نمی خواست، از تجملات به دور بود و از تشریفات بیزار. به راحتی در مجالس مختلف حضور می یافت رسم خاکساری پیشه کرده بود در وجود با صفا و نورانی اش هیچ نشانه‌ای از تکبر و تبختر و خود بزرگ بینی یافت نمیشد..

مردمی بودن

او عاشق مردمش بود به همین لحاظ مردم عاشق او بودند. او پدر مهربان یتیمان بود و ملجا دردمندان و پناهگاه محرومان. او عمیقاً بر این باور بود که مردم ولی نعمت ما هستند. و این انقلاب و نظام حاصل تلاش آنان و متعلق به آنان است پیوسته بر این امر تأکید می کرد که ما مدیون و وامدار این مردم عزیز هستیم و خدمت به آنان را بایستی یک افتخار بزرگ بدانیم در حوادث گوناگون در میان مردم حضور می یافت و به یاری آنها می شنافت خاطره شیرین حضور او در میان سبیل زدگان جاری هیچ گاه فراموش نمی شود.

ارتباط عمیق با خانواده:

او عمیقاً به خانواده خویش عشق می ورزید. تکریم و احترام او به والدین زبانزد خاص و عام بود و رابطه عاطفی اش با همسر و فرزندان، کانون خانوادگی شان را گرم و پر حرارت نموده بود. انبوه مسئولیت‌ها و دغدغه‌ها و حساسیت‌های کاری، هیچگاه باعث نگرید که او از توجه به خانواده و وقت گذاری برای آنان در حدی که برایش مقدور رجم با بستگان را هیچگاه بود فروگذار نماید. صله فراموش ننمود. اینکه انسان در اوج داشتن مسئولیتی این چنین خطیر که ذهن و وقت و توان انسان را مصروف خود می نماید. مراقب این نکته باشد که به خواسته‌های عاطفی خانواده، بستگان و خویشاوندان و دوستان و آشنایان توجه نماید، حقیقتاً ستودنی است



خدا حافظ حاج قاسم